

راه حل، تغییر نرم افزار اداره کشور است



مهدی حسین کاشفی
دبیرکل اتحادیه دانشجویان اسلامی

* آقایان در این وضعیت راه حل اساسی از دید ما تغییر نرم افزار اداره کشور و تحول در حکمرانی نظام با پشتوانه مردمی است. تحولی که بتواند گام دوم انقلاب اسلامی را آن طور که شاید و باید رقم بزند و زمینه ساز تحقق تمدن نوین اسلامی شود. از این رو گفتمان یکپارچه و واحد در راستای تحول حکمرانی می تواند کشور را از مشکلات متعددی که با آن مواجه است نجات دهد.

* حضرت آقا! امروز دشمن روش و حربه جدیدی را برای مقابله با مردم ایران اسلامی به کار گرفته است. پرتنگ شدن اعتراضات ساختگی به نظام اسلامی با رویکرد وادبیات دینی، مسأله‌ای است که امروز در فضای مجازی و حقیقی دیده می شود. به عنوان مثال عده‌ای در صددند با تمسک به نهج البلاغه و برداشت‌های افراط و تفریط گونه از آن، شبهاتی را علیه جمهوری اسلامی طرح کرده و جذب سرمایه اجتماعی را این بار نه از قشر غیر مذهبی که اتفاقاً از قشر مذهبی و حزب الهی داشته باشند. می خواهند بچه مذهبی و حزب الهی را در مقابل انقلاب اسلامی قرار دهند. مسأله‌ای که امروزه پیرامون این موضوع با آن رویه رویم بحث مواجهه درست و تبیین مفاهیم صحیح نهج البلاغه و اسلام سیاسی است.

* آقایان! اگر هدف، تحقق تمدن نوین اسلامی است، باید چرخه معیوب تعلیم و تربیت اصلاح شود. متأسفانه آموزش و پرورش در نگاه حاکمیت در اولویت نیست، معلم به عنوان عنصر اثرگذار در آموزش و پرورش باید تبدیل به پرورش دهنده افراد متعهد، دغدغه مند و انقلابی شود، نه تبدیل به فردی محافظه کار که شان و شخصیتش را به حقوقش گره زده اند که در باب این موضوع راهکارهایی تدوین شده است که تقدیم حضرت تعالی خواهد شد. نظام آموزش عالی باید ابزاری برای تشکیل جامعه متعالی بوده و آرزوی دیرین دانشجویان یعنی ارتباط صنعت و دانشگاه را تحقق بخشیده و در خدمت شعار سال باشد. آموزش عالی با کمیت گرایی و مدرک گرایی صرف و روی آوردن به جذب حداکثری دانشجویان، بدون در نظر گرفتن نیاز و مسأله جامعه از قافله تولید علم کاربردی عقب مانده است؛ شناور نبودن جذب دانشجویان نیاز جامعه نتیجه‌ای جز اتلاف عمر جوان و تربیت جوانان تحصیل کرده بی مهارت ندارد. جوانی که بدون هدف وارد دانشگاه شده و برای فراز سربازی اجباری روی به تحصیلات تکمیلی می آورد، دیگر فرصتی برای خدمت به کشور ندارد.

* آقایان مهم ترین موضوع برای حال و آینده کشور، آب، محیط زیست و کشاورزی است. دولت در عرصه سیاست گذاری مخصوصاً در عرصه آب و محیط زیست که جنبه امنیتی هم دارد باید به سمت دانشگاه ها روی بیاورد، پیشنهاد ما این است که قرارگاه آب و محیط زیست با اختیارات فراقوه‌ای و با رویکرد علمی تشکیل شود و تصمیمات آن ضمانت اجرایی نیز داشته باشد. البته ما در اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان در حال تشکیل قرارگاه در سطح دانشجویی و استادی هستیم. آقایان اکنون نیاز به آمایش سرزمین فراقوه‌ای برای عدم ایجاد تعارض منافع و با محوریت آب در هر حوزه‌ای احساس می شود تا بر مبنای پتانسیل آب هر منطقه‌ای برنامه‌های مربوط به توسعه صنعت و کشاورزی ارائه و اجرا شود. بحران آب و خشکسالی و کمبود منابع آبی هر چند یک مشکل جهانی است ولی نمی توان امنیت غذایی کشور را نیز به خطر انداخت، لذا باید مسأله امنیت آب و امنیت غذا همزمان مدنظر مدیران کشور قرار گیرد و در این میان نیاز به تحول در کشاورزی سنتی و ورود دانش بنیان به مسأله تولید با ایجاد تحول و نوآوری در روش ها و فرآوری محصولات سالم با کمترین مقدار آب مصرفی است.

گزیده سخنان نمایندگان تشکل های مختلف دانشجویی در دیدار با رهبر معظم انقلاب ضرورت تحول در الگوهای حکمرانی؛ مطالبه اصلی دانشجویان

اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان) و محسن نراقی (نماینده بسیج دانشجویی) در این دیدار به عنوان نمایندگان تشکل ها نکاتی را مطرح کردند که برخی محورهای مهم آنها را ادامه خواهید خواند.

پناهی (دبیر تشکیلات اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل)، محمد اسکندری (دبیر جنبش عدالتخواه دانشجویی)، علی بزرگخو (دبیر دفتر تحکیم وحدت)، محمدحسین کاظمی (دبیرکل

جمعی از دانشجویان و نمایندگان تشکل های مختلف دانشجویی و علمی سراسر کشور در روز سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ماه با حضور در حسینیه امام خمینی (ره) با حضرت آیت الله خامنه‌ای دیدار کردند. امیرحسین



انسان بصیر کسی است که به درستی شنید و اندیشه کرد پس

دانشگاه محل استراحت اساتید دانشگاه شده است!



علی بزرگخو
دبیر اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان کشور

* انقلاب اسلامی ایران چراغ امید را در دل ملتی که سالیان سال مورد ظلم واقع شده بود، روشن کرد. ملتی که با مسئولیت شناسی بهنگام خود، برگ زرین تاریخ ایران را رقم زد. اما امروز همین عنصر یعنی مسئولیت شناسی در حال تبدیل شدن به یکی از معضلات حکمرانی است. به نظر عدم مسئولیت شناسی بازگیران عرصه حکمرانی، تأثیر بسزایی در به وجود آمدن برخی ناکارآمدی ها داشته است.

* حضرت آقا! به عقیده ما چنین مجلسی نمی تواند انقلابی باشد. در این مدت، هر زمان نمایندگان مجلس را بابت بر زمین ماندن اصلی ترین وعده شان مواخذه کردیم، پشت صفت انقلابی قایم شده اند. از شما می خواهیم این صفت را از شان پس بگیرد تا فرزندان تان در دانشگاه بتوانند بدون برچسب خوردن، به نقد منصفانه بپردازند. عدم مسئولیت شناسی در برخی حوزه ها، به صورت جدی تری دیده می شود. امروز چندین نهاد گوناگون در کشور مسئول اندیشیدن و برنامه ریزی در حوزه زن و خانواده هستند اما باید گفت همه شان روی هم، توان راهبری حتی یک برنامه موفق در این سالیان را نداشته اند. امروز به برکت انقلاب اسلامی، در زمینه تحصیل زنان، پیشرفت قابل توجهی رخ داده است اما مسأله ما «عدم تفکر و ترسیم نقشه راه برای زندگی زنان» است.

* مشکل اینجاست که در هر نهاد و سازمانی، مشاور یا معاون امور زنان و خانواده داریم، اما، به دلیل روشن نبودن تکلیف جمهوری اسلامی با حوزه زنان، عملاً این مناصب به جایگاه های تشریفاتی بدل شده اند. ما در افق انقلاب اسلامی، انتظار فراگیری الگوی زن مسلمان ایرانی را داریم اما در عمل دچار سیاست های واگرا در این حوزه شده ایم. در همین روزها که جامعه درگیر بحران جمعیت است، برخی اساتید دانشگاه، دانشجویان مادر را حتی به اتاق خود راه نمی دهند! از طرفی از اهمیت حضور زنان در تصمیم گیری ها، گفته می شود؛ اما در عمل، مسیر ورود زنان به عرصه های سیاسی،

با سدهایی مواجه است که حتی بعد از ورود هم، احتمال اثرگذاری خیلی کم است و زنان عملاً باید عسای سیاست را به لقایش ببخشند!

* آقایان! رسیدن به آرمان زن مسلمان ایرانی را در تدوین و مهندسی نقشه راه مناسب برای آن می دانیم ولی تجربه این سال ها نشان داده است که هیچ ارگانی مرجعیت پیگیری این موضوع را به عهده ندارد. ما در نظام مردم سالاری دینی، نیازمند تشکیل و تقویت حلقه های میانی زنان و دغدغه مندان این حوزه هستیم و انتظار می رود ساختار فعلی اصلاح و در جهت تسهیل این مسیر بازسازی شود تا راه، برای تضارب آرا و گفت وگویی سرمایه های جوان و متخصص کشور باز شود. علاوه بر موارد مطرح شده، در برخی از موارد نیز کارگزاران با مسئولیت های خود مشکل میبانی دارند و آن را نمی پذیرند. برای مثال اعضای شورای نگهبان اساساً خود را در مورد رد و احراز صلاحیت ها در انتخابات، به افکار عمومی پاسخگو نمی دانند و عنوان می کنند که نظر فقهی و حقوقی نیاز به پاسخگویی ندارد. فارغ از اینکه آیا اصلاً می شود نظر فقهی و حقوقی در عرصه حکمرانی را از نظر سیاسی جدا کرد، باید پذیرفت که اساساً احراز صلاحیت و تشخیص مدیر و مدیر بودن افراد، با فقه و حقوق غیرممکن است و لاجرم، نظر سیاسی افراد، دخیل خواهد شد.

* پای مسئولیت شناسی به محافل سیاسی هم کشیده شده است. امروز در برخی محافل سیاسی که از قضا خود را صاحبان گفتمان انقلاب می دانند، مباحث در حد چگونگی ضایع کردن سردمدار جریان رقیب خلاصه شده است. گویا برای برخی انقلابی گری در تداوم دعوای بی حاصل سیاسی معنا می شود. آقایان مسئول بدانید مردم تفاوت چندانی بین شماها قائل نیستند! البته بیچاره مردم که از معادلات نان حذف شده اند و صرفاً هر چند وقت یکبار تماشاگر رسوایی های جدیدتان می شوند. امروز علاوه بر احزاب، تشکل های انقلابی نیز دچار سردرگمی عجیبی در شناسایی مسئولیت شده اند، برخی با اسم رمز مطالبه گری اقدامات نامید کننده را تجویز می کنند و برخی دیگر به بهانه جهاد تبیین، چشم پوشی بر تمام ناکارآمدی ها را! حضرت آقا! به نظر شما راهکار

راهی از این سردرگمی چیست؟
* امروز دانشگاه بیش از آنکه محل تولید علم و دانش باشد، محل استراحت اساتید دانشگاه و بیگاری کشیدن از دانشجویان است. سالانه هزاران مقاله به نام اساتیدی چاپ می شود که حتی نمی توانند عنوان مقاله مذکور را بخوانند! دانشگاهیان نه تنها هیچ نسبتی با مسائل واقعی کشور برقرار نمی کنند بلکه دانشجویان را از رویه رو شدن با این مسائل از طریق عضویت در تشکل دانشجویی، منع می کنند. دانشگاه امروز در غیر سیاسی ترین حالت خود از ابتدای انقلاب قرار دارد و به زعم ما عاملش ساختار آموزشی است. ارزش از تولید مقاله می داند نه تحول! چرایی سخت شدن مسیر تحول را هم باید در همین مورد جست، چرا که منشا تحولات جامعه یعنی دانشگاه از مرجعیت سیاسی و اجتماعی ساقط شده است.

* متأسفانه باید گفت حوزه نیز وضعیتیت بهتر ندارد. آن روحانیت مبارزی که روزی پیشقدم در ایجاد تحولات اجتماعی بود و همین نظام ما حاصل سال ها تلاش و مجاهدت است، امروز تبدیل به جریان بی خودی و بی حرکت شده است. در اقتصاد به بازگردن مواضع آن شهید بزرگوار در کتاب اقتصادنا بسنده می کند و در مسائل اجتماعی نظیر حوزه زنان، حتی همان کار را هم انجام نمی دهد. تحلیل ما این است: اگر کشور را آب ببرد، احتمالاً دوستان خواب خواهند برد! این ها همه ناشی از یک مسأله است: عدم مسئولیت شناسی در حوزه و دانشگاه.

* حضرت آیت الله خامنه‌ای! به زعم ما علاج ساختارهای مسئولیت گریز، مردم سالار کردن آن هاست، یعنی ساختارهای منطبق بر نظریه مردم سالاری دینی. ساختارهایی شفاف، نظارت پذیر و پاسخگو که آگاهی بخشی را وظیفه خود قلمداد می کنند و برخلاف غربی ها به مردم نه به چشم مشتری را حتی شهروند، بلکه به چشم امتی تحول خواه و تحول گرا نگاه می کنند. تنها با ساختارهای مردم سالار است که می توان انتظار تحولی پایدار داشت و تنها ساختارهای مردم سالار می توانند روح انقلابی گری دانشی را در کالبد جامعه زنده نگه دارند و راه تفاسیر غلط از انقلابی گری و تولید رفتارهای مخرب را مسدود کنند.

باید اندیشمندان واقعی جای «ژورنالیست های اندیشمند نما» را بگیرند

* در گام دوم انقلاب اسلامی، ایران عزیز نیازمند پیشرفت جهشی است و امید جزو اصلی ترین مؤلفه های پیشرفت یک جامعه در هر حرکت به سمت آرمان های خود می باشد، به عقیده ما اندیشمندی در جامعه فعلی ما برای حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی نیازمند تحول است.



محسن نراقی
دبیر شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی کشور

استاد بالادستی زیادی همچون سند چشم انداز ۲۰ ساله، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نگارش یافته اند؛ بسیاری از این استاد، به دلیل توقف در «کلیات»، «سنجش ناپذیر بودن» یا نقدهای جدی از جمله «عدم ارتباط با واقعیت میدان» مواجهند، مصداق کامل این ناکارآمدی در سندنویسی برای تحول، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است که تقریباً هیچ پیشرفتی در عرصه عمل نداشته و حوزه آموزش و پرورش کشور به جای تحول دچار بحران شده است! معتقدیم کم رنگ بودن تحقق بخشی از اهداف انقلاب اسلامی در عرصه عمل، را باید در دو عامل جست و جو کرد: «اول فقدان طرح کلان و دوم نبود نظام حکمرانی قابل اجرا».

* حجم بالای مسائل بی پاسخ در حوزه های مانند پول و بانک، مسکن، سلامت، فضای مجازی، زنان و خانواده و نظام تعلیم و تربیت و علی الخصوص بحث زیربنایی مانند عدالت و پیشرفت، گواه مستغل در این دو عرصه است. بدون شک متولی اصلی پاسخ به این مسائل در سطح کلان «نهاد علم» است. اما متأسفانه نهاد علم خود اولین موضوع تحول است. حوزه های علمیه اغلب یا با مسائل حکمرانی نسبت معناداری ندارند یا درگیر مفاهیم

انتزاعی اند و علوم انسانی در دانشگاه نیز، عمدتاً درگیر ترجمه یا اسلامیزه کردن مباحث تولید شده توسط اندیشمندان غربی است و دانشگاه های ما هیچ گونه ایده ای برای نیازهای تحولی انقلاب اسلامی تولید نمی کنند.
* ما راهکار را تمرکز نهاد علم بر مسائل کلان انقلاب اسلامی می دانیم و این امر جز از طریق شکل گیری گفت وگوهای واقعی بین صاحبان اندیشه محقق نمی شود. در صورت تحقق این امر، اندیشمندان واقعی جای «ژورنالیست های اندیشمند نما» را خواهند گرفت. از نگاه ما، مانع اصلی تحقق این امر مهم «کمبود تحمل و برخورد های حذقی» در حوزه اندیشه ای است! چهارچوب برخی آقایان آنقدر تنگ است که حتی برخی دلسوزان درس پس داده نظام اسلامی نیز تحمل نمی شوند. نتیجه این نوع نگاه این شده که دانشگاه های ما از یوبایی بحث های فکری و رفت و آمد اندیشمندان، خالی شده و تنها برخی چهره های سیاسی کم بنیه، حق رفت و آمد به دانشگاه را دارند! اما با فرض دستیابی به یک طرح کلان و نسخه های عملیاتی آن، فرایند تحول نیازمند لوازمی است که به اختصار به برخی از آنان می پردازیم:

*فقره ساختاری و کثرت مراجع تصمیم گیر و سیاستگذار در برخی حوزه ها، عرصه را به گونه ای رقم زده که در تراجم میان این ساختارها، با تصمیم لازم اتخاذ نمی شود، با تصمیم لازم بهنگام اتخاذ نمی شود یا تصمیم واحدی گرفته نمی شود و هر نهادی در حال ساختن جزیره خویش است با تصمیم می گیرند، ولی مسئولیت تصمیم گرفته شده توسط هیچ کس پذیرفته نمی شود. عدم هماهنگی میان ساختارهای متولی امر فرهنگ و اختلافات سال های اخیر این نهادها اعم از صداوسیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی فضای مجازی، سازمان تبلیغات و... شاهد مثال مدعی مذکور است! تراجم میان این نهادها به حدی است که حتی زمانی که ضرورتی با هدف رفع آن، دستور بازطراحی نهادها فرهنگی را صادر کردید، نهادهای فوق در امر بازطراحی نیز با یکدیگر به تراجم خورده اند. آخرین خروجی این مدل غلط در تصمیم گیری هم همین ماجرای پاسکاری طرح صیانت - فارغ از درست یا غلط بودن آن- در بین دستگاه های نظام است. نتیجه این به هم ریختگی و عدم مسئولیت پذیری این شده که فضای فرهنگی کشور در عرصه فضای مجازی به سرزمین اشغالی تبدیل شده است!
* اولین ویژگی کارگزاران تحولی، مسلح بودن به عقلانیت انقلابی است. تحول واقعی، عقلانیت انقلابی مسئولان را می طلبد. سال هاست برخی ادعای تناقض انقلابی گری با عقلانیت دارند و خودشان را «نهاد عقلانیت» نشان می دهند؛ درحالی که ثمره عقلانیت آنها برجامی شد که هنوز که هنوز است فرصت برخی طراحی های جدید را از سیاست خارجی ما سلب کرده! انقلاب اسلامی با عقلانیت مرسوم به پیروزی نرسیده و با این عقلانیت نیز پیشرفت نمی کند! اگر بنا بود با دستگاه فکری برخی آقایان نظام اسلامی اداره می شد، همان ابتدا باید جنگ تحمیلی را واگذار می کردیم، موشک های خود را تحویل می دادیم! توسعه علم و فناوری در کشور ثمره عقلانیت انقلابی و تعطیلی فناوری هسته ای و سپمان ریختن در قلب راکتور ارک که قلب دانشمندان ایرانی بود ثمره عقلانیت برخی آقایان است! امروز هم اگر دستگاه سیاست خارجی کشور بخواد با عقلانیت آقایان گذشته اداره شود، ثمره ای جز پشیمانی برای کشور نخواهد داشت!

* دومین ویژگی کارگزاران تحولی، متوقف نشدن در سازوکارهای کهنه است. نمونه ای از عبور از محافظه کاری و تفکرات کهنه که منجر به تحول شده، حرکات نو بر بخش خیر صدواوسیماست که امپدوریم عده ای سرعت این حرکت را کند نکنند.
* سومین ویژگی کارگزاران تحولی، داشتن نگاه تحولی است. به عنوان نمونه برخی دستگاه های محروم زمت، به جای توانمندسازی منطقه هدف و از آب و گل درآوردن مستضعفان (ایده ای که توسط گروه های جهادی فهم شده اما توسط برخی مسئولین هنوز فهم نشده)، به برخی مسیرهای سهل الوصول رایج و همیشگی اما ناکافی مثل توزیع بسته های معیشتی اکتفا می کنند!
* چهارمین ویژگی کارگزاران تحولی، شجاعت در تصمیم گیری است. شجاعت در تصمیم گیری ایجاب می کند که برای دلخوشی غیرواقعی مردم یا بخشی از مردم تصمیم غلط یا بی تصمیمی را اتخاذ نکنیم!

* حتماً در عرصه اداره کشور در بزنگاه هایی تصمیم درست یا برخلاف خواست ظاهری بخشی از مردم یا نیازمند مقابله با گروه های انحصار گر و ذینفع است، تصمیماتی ناظر به ساماندهی فضای مجازی، ساماندهی نظام مالیاتی، اصلاح چنین موقعیت هایی از مسئولین انتظار می رود به جای تصمیم نگرفتن، تصمیم توأم با تبیین بگیرند. حجم بالای پروژه های نیمه تمام و طرح های غلط مانند پرتوشیمی میانکالا به طرح های فولادی در وسط کویر و ناکارآمدی مزمن در صنعت خودرو حاصل همین نوع برخورد با مسائل کشور است.

غایت نظام اسلامی؛ حکمرانی عادلانه



امیر حسین پناهی
نماینده اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل

* سال گذشته و پیش از انتخابات ریاست جمهوری، در همین تریبون گفتیم که ریشه بسیاری از چالش ها و ناکامی های کنونی کشور، ساده انگاری و عدم درک پیچیدگی های ذاتی امر حکمرانی است. عدم درکی که موجب شده تا در نتیجه چالش های پیچیده

دهه ۹۰، شاهد کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی به نظام جمهوری اسلامی باشیم. تحقق حکمرانی عادلانه، به عنوان غایت نظام اسلامی در گرو عقلانیت در حکمرانی است. عقلانیت یعنی توجه به سه مؤلفه حیاتی: حکمرانی عالمانه، صادقانه و شجاعانه. یکی از گرفتاری های ما در چهار دهه گذشته، خلأ نظریه پردازی کاربردی برای اداره کشور بر اساس مبانی دینی، ادعاها و اهداف کلان جمهوری اسلامی بوده است. در نتیجه این خلأ، برخی برنامه ریزی ها و سیاستگذاری ها در هنگام اجرا به ضد خود تبدیل شده و اهداف اولیه را نقض می کنند. به عبارت دیگر، ما گاهی غریزی و بدون ایده حرکت کرده ایم و یا فراوان متکی به دستورالعمل های غربی بوده ایم! فی المثل بارها از همین تریبون گفته شد که آقای رئیس جمهور! آقای وزیر آموزش و پرورش! آقایان شورایعالی انقلاب فرهنگی! توسعه مدارس پولی، نقض آشکار عدالت اجتماعی و یک بی عدالتی ساختاری است. فروختن آینده به پولدارها، به واسطه تغییر بنیادین در کوسیستم آموزش، تحقیر طبقه مستضعف است. آیا کسی در آن آموزش وزارت آموزش و پرورش به اصلاح این رویه غلط فکر می کند؟ آیا وزیر محترم آموزش و پرورش اصلاً بضاعت و ایده مناسب برای چنین تغییر بنیادینی را دارد؟

* یکی دیگر از مصادیق اقدام در خلأ تئوریک، خصوصی سازی بانک ها در دولت مدعی عدالت بود. البته بانک های خصوصی دنباله زنجیره معیوب و پر از اشکال بانکداری در کشور هستند که عوارض آن در بانک های دولتی نیز مشاهده می شود! آقای وزیر اقتصاد! والله ما این همه بانک لازم نداریم، ضرورتی ندارد در این جنگ اقتصادی با پشتوانه بانک مرکزی، بانک های خصوصی هر کار غلطی دل شان خواست بکنند، اطراف تهران کاخ بسازند، نقدینگی و تورم را افزایش دهند و با رفت و آمد دولت ها پابرجا بمانند. ایده وزارت اقتصاد برای تحول در نظام بانکی کشور چیست؟

ارتقای کارآمدی با نظارت بر مسئولان



مهدی اسکندری
دبیر جنبش عدالتخواه دانشجویی

* یکی از مسائل کنونی کشور شوراسازی های است که با هدف تقویت اختیارات رهبری و بعضاً با هدف تجمع تجارب و استفاده ساختارمند از نتایج آن بوده است. این امر موجب شده است که به جای اراده قدر، اراده عقل جمعی بر امور حاکم شود. اما امروزه با انبوهی از شوراها ناکارآمد مواجهیم که هیچ کس هیچ مسئولیتی را در قبال آنها قبول نمی کند. نتیجه این موضوع این است که همه، مسئولیت ها را، حواله به نظر شورا می دهند و مسئولیت خود را قبول نمی کنند. از طرفی برخلاف اصول قانون اساسی، که قیول یک مجلس قانونگذاری در آن وجود دارد، امروز با تعدد مجالس قانونگذاری مواجهیم که رفته رفته یکت مجلس لاغر با تعداد زیادی شوراها جاق ساخته است.

* مسأله دیگری که متأسفانه در وضعیت فعلی کشور شاهد آن هستیم بنیم ماندن قانون اساسی است؛ به این معنا که در بعضی موارد، یا به قانون اساسی عمل نشده است، مثل حق مسکن یا حق اعتراض، یا بصراحتاً برخلاف قانون اساسی اقدام شده؛ مثلاً علی رغم همه تأکیدات قانون اساسی بر آموزش و بهداشت رایگان و دسترسی عادلانه به امکانات آموزشی، عملاً حرکت سیاست ها به سمت خصوصی سازی آموزش و درمان رفته است. یا مثال دیگر در همین مورد، بانوجه به نزدیکی روز قفس، این است که مطابق با اصل ۱۱ قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی باید کوشش کند تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد؛ امری که عملاً در بین نهادهای مختلف مسئول، از جمله دولت و صدا و سیما، مغفول مانده.

* یک مسأله قابل توجه مسأله نظارت کلان در بین دستگاه های کشور است. در رابطه با این موضوع دو نکته اصلی وجود دارد. اولین نکته آن است که به طور کلی برای ارتقای کارآمدی، همه مسئولان باید احساس کنند که تحت نظارتند. درحال حاضر در مورد دستگاه های نظیر دولت و مجلس، مرجع نظارت و حساب کشی مشخص است. ولیکن در مورد نهادهایی مثل قوه قضائیه، شورای نگهبان، صدا و سیما و نهادهای فرهنگی و اقتصادی ذیل رهبری سیاسی باید کوشش کند تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد؛ امری که عملاً در بین نهادهای مختلف مسئول، از جمله دولت و صدا و سیما، بیرون بیایند.

* در جمع بندی مسائل این طور به نظر می رسد که اوضاع فعلی مملکت در یک وضعیت بی قاعده گی به سر می برد. این اتفاق از یک جهت ناشی از ضعیف شدن نیروهای سیاسی حاضر در صحنه و همچنین تضعیف ساختارهای رسمی کشور در کنار قدرت گرفتن نهادهای امنیتی است و از جهت دیگر نتیجه اجرا نشدن بخش هایی از قانون اساسی یا عمل برخلاف قانون اساسی و بی توجهی دستگاه ها و ساختارها به وظایف خودشان مطابق با اصول قانون اساسی است. این وضعیت هرج و مرج، عرصه نقش آفرینی اشباح قدرتمندی شده است که کسی آنها را به چشم نمی بیند ولی اثرگذاری آنها برای مردم محرز است.